

نگاه
کارشناس

EPA: کنکس

استراتژی
مقابله با فشار حداکثریE-INTERNATIONAL
RELATIONS

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

اعمال مجدد فشار حداکثری دونالد ترامپ بر ایران در فوریه ۲۰۲۵ و اوتیما توم او به دولت ایران، نگرانی‌ها را در مورد افزایش تنش‌های خاورمیانه برانگیخته است. با این حال، ایالات متحده با ایرانی مواجه است که تجربه دولت اول ترامپ را دارد، بنابراین می‌تواند سیاست‌های ترامپ را پیش‌بینی کند. استراتژی ایران برای مقابله با ترامپ ابتدا شامل تشکیل حلقه‌ای از روابط دوستانه با کشورهای همسایه در خاورمیانه است. دوم، سیگنال‌دهی راهبردی و آمادگی برای همکاری با غرب، سوم، تعمیق روابط با روسیه و چین، که تکیه‌گاهی است در صورتی که دو استراتژی قبلی شکست بخورند. تحت سیاست «اول همسایگان»، ایران روابط دوستانه‌ای با کشورهای خلیج فارس برقرار کرد تا توانایی آمریکا را برای ضربه زدن کم‌رنگ کند. از این گذشته، عربستان سعودی، بحرین و امارات متحده عربی (امارات متحده عربی) در حمایت از فشار حداکثری اعمال شده توسط ترامپ و ۱۵۰۰ تحریم آن علیه ایران در سال ۲۰۱۸ نقش مهمی داشتند. از سال ۲۰۲۴، ایران در مرحله فعال دیپلماتیک بوده است. پس از بازسازی تاریخی روابط دیپلماتیک با عربستان سعودی در سال ۲۰۲۳، میانجیگری چین، روابط عربستان و ایران در سطوح بی‌سابقه‌ای گرم شده است. در اکتبر ۲۰۲۴، عربستان سعودی و ایران به طور قابل توجهی مانورهای نظامی مشترکی برگزار کردند، و رئیس ارتش عربستان در نوامبر ۲۰۲۴ برای گفت‌وگو در مورد همکاری‌های دفاعی دو جانبه از تهران بازدید کرد. دیدارهای دو جانبه با مقامات امارات با وزرای ایرانی با رئیس‌جمهور امارات و وزیر امور خارجه ادامه یافت. در فوریه ۲۰۲۵، برای اولین بار، چهار فرزند شناور نیروی دریایی ایران برای یک بازدید سه‌روزه در شارجه پهلو گرفتند تا درباره امنیت دریایی بحث کنند. ایران همچنین در حال عادی‌سازی روابط با بحرین بوده است. در اکتبر ۲۰۲۴، وزیر امور خارجه ایران برای اولین بار در هفده سال گذشته به بحرین سفر کرد. روابط دوستانه با کشورهای همسایه خلیج فارس دو هدف استراتژیک را دنبال می‌کند. اولاً، کاهش ادراک تهدید از سوی ایران، کم‌رنگ کردن توانایی دولت ترامپ برای امنیت‌سازی ایران به عنوان مهم‌ترین تهدید موجودیتی در منطقه. در نتیجه، کشورهای حاشیه خلیج فارس ممکن است تمایلی به اعمال سیاست‌های تقابلی آمریکا نداشته باشند و راهبردهای سنسیتی آمریکا علیه ایران مانند انزوای دیپلماتیک را کم‌رنگ کنند. البته دولت ترامپ می‌تواند کشورهای حاشیه خلیج فارس را مجبور به اعمال سیاست‌های تقابلی کند و از حضور نظامی آمریکا استفاده کند. اما مسلماً ترس از تجدید بی‌ثباتی منطقه‌ای و جنگ از طریق احیای تنش‌ها با ایران به‌طور بالقوه بر فشار دولت ترامپ غلبه می‌کند. ثانیاً، کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توانند برای تهران میانجی‌گری کنند، سیاست‌های تقابلی آمریکا را تعدیل کرده و حتی تنش‌های آمریکا و ایران را میانجیگری کنند. روابط دوستانه با ایران و تمایل به حفظ ثبات منطقه، انگیزه‌های قوی برای کشورهای حاشیه خلیج فارس برای میانجیگری روابط ایران و آمریکا فراهم می‌کند. این اتفاقی نیست که عربستان سعودی و امارات شرکای امنیتی ایالات متحده هستند و رهبران آنها روابط نزدیکی با رئیس‌جمهور ترامپ دارند. عربستان سعودی اخیراً با تنظیم یک توافق هسته‌ای جدید، آمادگی خود را برای میانجیگری در تنش‌های آمریکا و ایران نشان داد. همسویی متقابل منافع، خلیج فارس را به‌طور غیرعادی پذیرای پیشنهادات دیپلماتیک ایران می‌کند. هر دو طرف خطر یک جنگ منطقه‌ای بی‌ثبات کننده را که نه خلیج فارس و نه ایران توان تحمل آن را ندارند، می‌شناسند. به‌ویژه، عربستان سعودی تحت برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ در حال تحول اقتصادی است و با طرح‌های توسعه شهری بلندپروازانه مانند نئوم، قصد دارد از درآمدهای نفتی دور شود. ایران همچنین به‌رغم مواضع دیرینه ضد غربی به گفت‌وگو و همکاری با غرب تمایل نشان داده است. این استراتژی نشان‌دهنده پراگماتیسم است و هیچ پهنه‌ای برای هدف قرار دادن ایران به‌عنوان تهدید تقویت روابط اقتصادی و امنیتی ایران با روسیه و چین، سومین راهبر ضرر ترامپ است و نشان‌دهنده پوششی در صورت شکست دو استراتژی دیگر است. روسیه و چین نماینده شرکای کلیدی ایران هستند که در مجموع با تحریم‌های آمریکا و تلاش‌های آمریکا برای محدود کردن نفوذشان مواجه هستند. از این رو، این «محور» در تلاش بوده است تا روابط اقتصادی و نظامی مستقل و مصون از فشارهای آمریکا ایجاد کند. در سال‌های اخیر، ایران به‌طور فزاینده‌ای به روسیه و چین برای نجات از انزوای اقتصادی و دیپلماتیک تحمیلی آمریکا متکی بوده است. چین و روسیه قبلاً شرکات‌های راهبردی جامعی را با ایران امضا کرده‌اند که مبادلات اقتصادی، امنیتی و سیاسی را تسریع می‌کند.

تحلیل احسان هوشمند پژوهشگر مسائل قومی از پیام عبدالله اوجالان:

ابری پروژه امنیتی ترکیه در منطقه

می‌دهد چه بکنید؟ چون ممکن است به کردهای ما هم سرایت کند. به تدریج این فعالیت‌های مسلحانه بیشتر می‌شود. حتی یکی از پادگان‌های ایران نزدیک بود خلع سلاح بشود و سربازانش کشته شوند. در اینجا ترکیه ورود می‌کند و در یک اقدام خیلی عجیب با رابرتی با آقای ابراهیم یزدی موافقت می‌کند که کل نیروهای مسلح آن پادگان وارد خاک ترکیه شوند و از مرز بازرگان به ایران برگردند. یعنی دولت ترکیه اجازه می‌دهد که نیروهای مسلح ایران وارد خاکش شوند. این نشان‌دهنده نگرانی زیاد ترکیه بود. اما وقتی که پ‌ک‌ک فعالیتش را آغاز می‌کند، ترکیه متوجه می‌شود که می‌تواند از ظرفیت کردهای مسلح ایرانی هم علیه پ‌ک‌ک استفاده کند. بر خلاف روال سعادآباد به بعد شروع می‌کند به گروه‌های گرد مسلح ایرانی پایگاه می‌دهد. یعنی نیروهای دمکرات و کومله برخی از پایگاه‌هایشان را به خاک ترکیه منتقل می‌کنند که بعدها در پایان دهه ۶۰ نمایندگان از وزارت کشور ایران به ترکیه می‌روند و نقشه‌های پایگاه‌های این گروه‌ها را به دولت ترکیه می‌دهند. یکی از کسانی که در این جلسات حضور داشته، آقای عبدالله رمضان‌زاده است که بعدها استاندار کردستان و سخنگوی دولت شدند. دولت ترکیه در ابتدا زیر بار نمی‌رفت و نمایندگان ایران مجبور شدند مستندات را ارائه کنند. بعد از این است که ایران نگران می‌شود. افزون بر اینکه سازمان مجاهدین خلق از عراق از مسیر ترکیه به اروپا می‌روند و دولت ایران نگران می‌شود. بنابراین ایران هم ارتباطاتی را با پ‌ک‌ک برقرار می‌کند.

این نیروهای کرد ایرانی، چه مشکلی با پ‌ک‌ک داشتند که ترکیه می‌توانست از اینها علیه پ‌ک‌ک استفاده کند؟
اولاً احزاب گرد ایرانی از ابتدا مدعی بودند که پ‌ک‌ک و شعبه ایرانی‌اش، پژاک، حزب ایرانی نیستند بلکه حزب ترکیه‌ای هستند. نکته دوم اینکه اساساً احزاب گرد فقط به پ‌ک‌ک بلکه به رقبایشان هم به چشم دشمن نگاه کرده‌اند. یعنی همین دمکرات و کومله که کل کادرشان ایرانی بودند، از همان ابتدا با هم سر جنگ داشتند. چون خودشان را محق می‌دانستند و طرف مقابل را یک حزب ساختگی و پراساخته می‌بینی بر توطئه می‌دانستند.

یعنی رقابت میان کردها، ریشه عمیقی دارد؟
میزان تلفاتی که دمکرات و کومله در درگیری با هم کشتند، به هزاران نفر می‌رسد. حتی رفتارهای بی‌رحمانه نظیر اسیر گرفتن و تیرباران کردن. پس این یک سنت است. یا در کردستان عراق، اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق ۱۴ تا ۱۵ هزار نفر از یکدیگر را کشته‌اند و همین حالا هم رقابت دارند و نتوانستند دولت تشکیل دهند. اتفاقاً پ‌ک‌ک هم در سال ۱۹۹۱ یک جنگ بسیار خونین با اینها داشته است.

پس این ایده اتحاد کردهای منطقه یا سراسر جهان، یک سراب است؟
هم سراب است و هم اینکه کردهای منطقه با هم متجانس هم نیستند. هم‌زبان نیستند. بلکه زبان دارند و مردم کرد از چند مذهب هم تبعیت می‌کنند. کرمانشاه خاستگاه ملی گرایی ایرانی است. کریم سنجایی جبهه ملی کرمانشاهی است. کرمانشاه بعد از استان فارس بیشترین میراث تاریخی ایران باستان را دارد. مهم‌ترین سنگ‌نوشته تاریخی ما بیستون است و در جایی که ایران گرایی اینقدر شدت دارد، آیا جریان کردی می‌تواند با شعار استقلال نیرو جذب کند؟ چقدر در میان رهبران کردی حتی ۵ نفر یا دو نفر

شوند. هدف استراتژیستک این بوده است. از سوی دیگر این نکته هم مهم است که پ‌ک‌ک به صورت کم‌سابقه‌ای خلاصه می‌شود در نظرات و تفکرات و دیدگاه‌ها و ایدئولوژی آقای عبدالله اوجالان. دقیق‌تر اگر بخواهم بگویم سازمان پ‌ک‌ک مساوی است با اوجالان یا آپی. می‌گویند ما آپی‌ست هستیم. یعنی اوجالان‌گرا هستیم. یک سازمان با این مختصات از دهه هشتاد میلادی، با دولت ترکیه درگیری نظامی دارد و هزاران نفر کشته می‌شوند. پ‌ک‌ک یک سازمان بسیار متصلب است؛ همچنین پ‌ک‌ک یک سازمان ایدئولوژیک مارکسیستی و شبه‌مائونیستی است که تمرکزش بر روی روستائیان و بانوان است. چون آقای اوجالان مدعی بود که تحصیل‌کردگان و شهری‌ها تجدیدنظر طلب هستند. مدتی می‌زند و در برابر تصمیمات رهبری ایجاد سوال و ابهام می‌کنند و این مسئله نمی‌تواند در یک حزب مسلح در حال جنگ کارایی ایجاد کند. بانوان به این دلیل که در یک جامعه سنتی مثل کردستان ترکیه که یکی از بالاترین میزان قتل‌های ناموسی را در جهان دارد، اساساً جایگاهی ندارند. البته این مربوط به دهه هشتاد است. حالا وضعیت کمی عوض شده است. بیشتر اعضای پ‌ک‌ک عموماً کم‌سوادند. به جای آن احزاب ملی ترکیه نظیر حزب جمهوریخواه خلق و حزب حرکت ملی و حزب آک‌پ، اعضای کردی تحصیل کرده دارند. این نشان‌دهنده شاخص‌های اجتماعی کردهای ترکیه است.

چون ساختار پ‌ک‌ک کاملاً هبرپرستانه است، طبیعتاً تمام احزاب باید عاشق حزب و آپی باشند. پس عشق هم در آن مذموم است. زمانی در سازمان مجاهدین خلق طلاق‌های ایدئولوژیک و ازدواج‌های ایدئولوژیک مطرح بود. در پ‌ک‌ک حتی این هم ممنوع بود. اگر یکی از چریک‌های پ‌ک‌ک، خاطر خواه بانویی می‌شد، حکمش اعدام بود. گاهی سوزاندن روستایشان. این اتفاقات در دهه هشتاد رخ داده است. من در گفت‌وگو با برادر آقای اوجالان اینها را پرسیدم و گفتم چطور شد تغییر سیاست دادید؟ گفت دیدیم خیلی سخت است. در دوره‌های بعد دیگر نمی‌کشتیم بلکه بی‌آبرو می‌کردیم که البته آن هم از کشتن بدتر بود. در این وضعیت، پ‌ک‌ک همزمان ارتباطات منطقه‌ای هم برقرار کرد. یعنی رقبای منطقه‌ای ترکیه با پ‌ک‌ک مرتبط می‌شوند؛ نظیر یونان، سوریه، ارمنستان و ایران. در مورد ایران این نکته مهم است که ایران و ترکیه از پیمان سعادآباد به بعد یک رابطه نسبتاً پائینی دارند. در مسائل قومی هم دخالت می‌کنند اما بسیار کم‌رنگ. این دخالت راهبردی نیست. بلکه تاکتیکی و سلیقه‌ای است. اما بعد از انقلاب ایران، به تدریج احزاب چپ گرد ایرانی که فعال می‌شوند، ترکیه نگران کردهای ایران می‌شود و در همان روزهای اول نوروز سال ۱۳۵۸ که آقای سنجایی وزیر خارجه ایران بود و دولت موقت سر کار بود، وزیر خارجه ترکیه به ایران می‌آید برای تبریک شکل‌گیری نظام جدید و همان روزها درخواست می‌کند با وزیر کشور ایران آقای احمد صدر حاج‌سیدجوادی، ملاقات کند. آقای صدر به من گفت که وزیر خارجه ترکیه مشخصاً به من گفت که می‌خواهد با مسائلی که در غرب ایران رخ

آرمین منتظری: پیام عبدالله اوجالان از زندان مبنی بر انحلال پ‌ک‌ک و خلع سلاح این گروه، یکی از مهم‌ترین تحولات یک ماهه اخیر در منطقه بود. پس از پیام اوجالان، کردهای سوریه نیز به توافقی هشت ماده‌ای با دولت جدید سوریه دست یافتند. برای توضیح سابقه و پیامدهای چنین تحولی، با احسان هوشمند، پژوهشگر پرسابقه مسائل قومی به خصوص مسائل کردی، گفت‌وگو کرده‌ایم:

یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که بعد از سقوط بشار اسد رخ داده، بیانیه‌ای بوده که عبدالله اوجالان صادر کرد و در آن بحث خلع سلاح پ‌ک‌ک و انحلال این سازمان مطرح شد. عبدالله اوجالان بحث صلح و آرامش را مطرح کرد. به نوعی در آن بیانیه اوجالان می‌خواست بگوید که این رویه دیگر کارگر نیست. این بیانیه و اکتش‌هایی داشت. واکنش‌ها در سوریه دیده شد. تحلیل‌تان از چرایی صدور این بیانیه از سوی اوجالان را چه می‌دانید؟

این موضوع بسیار مهم است. چون ایران همسایه ترکیه است و طبیعتاً تحولات دو کشور می‌تواند منافع دو کشور را تحت تأثیر قرار دهد. خصوصاً اینکه پ‌ک‌ک به نوعی نیم‌نگاهی هم به اشکال مختلف به ایران داشته است. طبیعتاً آنچه که در ترکیه رخ می‌دهد با منافع ملی ما بی‌ارتباط نیست. از طرف دیگر در صد سال گذشته، بعد از شکل‌گیری ترکیه جدید، دولت عراق و سوریه که از دل عثمانی بیرون آمدند، ما شاهد ظهور جریان‌های کردی متفاوتی در ترکیه و عراق بوده‌ایم و البته در ایران. اما تا به حال چنین فرجامی در مورد هیچ‌کدام از این گروه‌ها رخ نداده بود که در بیانیه دو هفته قبل آقای اوجالان شاهدش بودیم. این بیانیه از منظر تحولات کردی هم بسیار اهمیت دارد. این نکته را هم بگویم که در میان همه گروه‌های کردی چه جریان احسان‌نوری‌پاشا، چه جریان شیخ سعید پیران و چه جریان شیخ رضا درسیمی، شیخ محمود، عبدالسلام بازرانی و ملامصطفی بازرانی و اتحادیه میهنی و حزب دمکرات و حزب کومله، تنها جریانی که نگاهش فراتر از ترکیه بود پ‌ک‌ک است. به عبارتی جهان‌وطنی کردی مورد نظر، پ‌ک‌ک بود؛ از ایران تا سوریه و تا ترکیه و عراق. احزاب دیگر عموماً نگرانشان متوجه کردها در همان سرزمینی بود که در آن قرار داشتند. اما پ‌ک‌ک اینطور نبود. از همان روزی که اوجالان مانیفست خود را منتشر می‌کند کاملاً مشهود است که به دنبال اتحاد کردها در کشورهای مختلف است و زمینه‌های ایجاد یک دولت-ملت کردی را مهیا می‌کند.

یعنی کردهای اقلیم، تمرکزشان فقط روی اقلیم است و کردهای سوریه تمرکزشان روی سوریه؟

آنها هم روی کردهای کشورهای همسایه کم‌پیش نظر دارند اما پ‌ک‌ک به صورت مشهود و روشن در مرامش این بود که همه کردهای جهان متحد

